

با بررسی و دقت در علوم و شاخه‌های مختلف آن درمی‌یابیم که هرکدام از این علم‌ها به‌نوعی انسان را موضوع خود قرار داده‌است، چه در ابتدا و چه در غایت، انسان را مدنظر داشته‌است.

شاید بتوانیم بگوییم سرچشمه علم از انسان است و برای انسان و در خدمت او. رشد و تطور و تعالی و تکامل آن هم مرهون خردورزی و اصرار و سعی و تلاش او در طول قرون و اعصار است. هرکدام از اندیشمندان هم برحسب و هدف خود نگرش خاصی به انسان داشته‌اند و در اندیشه شناخت بُعدی از ابعاد وجودی این عصاره خلقت برآمده‌اند، اینکه تا چه میزان توفیق رفیقشان گشته‌است و به هدف خویش نایل گشته‌اند، بحثی دیگر است. اما بی‌تردید هر یک از این نمود کلاهی برده‌اند و از این بحر جامی و سبویی و قطره‌ای بهره‌جسته‌اند و کم‌ترند آنان که بدین دریا درآمده‌اند و لب‌تشنه و بی‌ثمر و بی‌حاصل و ناامید بازگشته‌اند چه آنان که به یافته‌هایشان قانع گشته‌اند و به دریافت محدود خویش دل خوش داشته‌اند و چه آنان که همان حاصل کار خود را در عین آنکه ناکافی و ناچیز دانسته‌اند، مقدمه و سرچشمه اندیشه و تحقیق و جستار و کاوش قرار داده‌اند.

آنچه در این‌جا موضوع بحث ما است «انسان‌شناسی» نیست بلکه بررسی نگرش انسان‌شناسان یا به عبارت بهتر، مدعیان انسان‌شناسی و راهیان این مسیر درباره ادوار حیات آدمی است.

اهمیت دوران‌های زندگی انسان از یک سو و اهمیت توانمندی‌های نهفته و رازهای کشف‌ناشده، از سوی دیگر و سایر دلایل موجب شده‌است که دانشمندان

## دوران حیات انسان و اهمیت جوانی

● محمدرضا سوقندی

هرکدام تقسیمی از دوران حیات آدمی به دست داده‌اند و هر یک با نگرش خاص خود به‌نوعی از خصوصیات، توانایی‌ها، ناتوانی‌ها، گرایش‌ها و استعدادها اشاره نموده‌اند.

### تقسیم دوران حیات

دانشمندان شاخه‌های مختلف علوم، دوره‌های حیات آدمی را به ادوار مختلف تقسیم نموده‌اند. برخی دوره اول حیات هر انسانی را دوره شکل‌گیری و تکوین، دوره اشیانه‌کاری، دوره کسب تجربه، دوره حکمرانی و دوره بازی نامیده‌اند و از دوره دوم حیات آدمی به دوران تعصب و گستاخی، نرمی و آینده‌نگری، مرحله اوج، دوره کوشش، دوره فهم و تعقل و دوره به‌کارگیری تجارب تعبیر نموده‌اند و از دوره سوم عمر هم با عنوان‌های دوره پیری، دوره تأسف، دوره قضاوت، دوره کار و دوره فرتوتی نام برده‌اند.

البته برای هرکدام از تعابیر فوق خصوصیتی را نیز بیان نموده‌اند. روشن است که تقسیم فوق کلی بوده و از دقت لازم برخوردار نمی‌باشد.



هزار نکته باریک ترزمو این جاست دوره‌های حیات انسان از هم گسیخته و مرزبندی شده نیست و این دوره‌ها در عرض یکدیگر قرار ندارند، بلکه در یک

سو و در طول هم قابل طرح می‌باشند. انسان در همه دورانها رهرو است و در راه، سالک است و در حال سلوک، راه امروز او ادامه راه دیروز اوست، گذشته از آینده جدا نیست.

اگر گذشته چراغ راه آینده است، آینده هم ثمره گذشته است. تفاوت انسان در دوران حیات در تغییر راه و مسیر سلوک نیست، بلکه در تعویض مرکب است. اگر کودکی نردبان نوجوانی است و نوجوانی مقدمه جوانی به این معنی نیست که انسان با ورود به دوره جدید بگوید: روز از نو، روزی از نو، زیرا که روز نوی او جدای از روز کهنه‌اش نیست و مجموعه زندگی گذشته و افکار و اندیشه‌ها و اعمال او را بدین مرحله کسانده است و او نه تنها از عمل و گذشته خود جدا نیست بلکه وارث و رهین آن است.

بنابراین در جوانی در اندیشه سالمندی است و چگونگی زندگی سالمندی او به چگونگی دوران جوانی، میانسالی و کودکی او بستگی دارد و همچنین از تجربه‌های درونی (و عرفانی) و نگرش او نسبت به خویشتن و مجموعه هستی تأثیر می‌پذیرد.

### دوران حیات از دیدگاه قرآن کریم

اعلموا انما الحیوة الدنیا لعب و لهو و زینة و تفاخر بینکم و تکاثر فی الاموال و الاولاد<sup>۱</sup>

بدانید که زندگی دنیا بازیچه و سرگرمی، تجمل و تفاخر در میان خودتان و افزون طلبی در اموال و فرزندان است. غرض آیه فوق، این نیست که به‌طور کلی دنیا را مذموم معرفی نماید، زیرا اگر دنیا بالذات بد بود، خالق حکیم آن را

نسل (وزگار) ما - فصوصاً قشر جوان - بیشترین دردهایش ریشه در نابسامانی‌های فکری و روانی او دارد، مئی برفی از دردهای جسمانی او هم برافاسته از مشکلات رومی و روانی اوست. بحث و بررسی و ارائه طرح‌هایی برای درمان این دردها، برعهده طیبیان ماذقی است که سوزمندان به بهداشت روانی جامعه می‌اندیشند.



خلق نمی‌فرمود.

این آیه حالات روحی انسان را تقسیم‌بندی می‌نماید و تمام ادوار پنجگانه را برای ادامه و بقای حیات لازم و ضروری می‌داند.

مرحوم علامه طباطبائی<sup>(۲)</sup> عبارتی را از شیخ بهایی علیه‌الرحمة در تفسیر آیه مبارکه نقل کرده‌اند:

«و عن شیخنا البهائی رحمه الله : ان الخصال الخمس المذكورة فی الآیة مرتبة بحسب سنی عمر الانسان و مراحل حیاة.

فیتولع اولاً باللعب و هو طفل او مراهق، ثم اذا بلغ واشتد عظمه، تعلق باللغو و الملاهی، ثم اذا بلغ اشدّه، اشتغل بالزینة من الملابس الفاخرة، و المراكب البهیة و المنازل العالیة و توله للحسن و الحسن، ثم اذا اكتمل أخذ بالمفاخرة بالأحساب و الأنساب ثم اذا شاب سعی فی تكثیر المال و الولد...»<sup>۲</sup>

خصلت‌های پنجگانه «لعب - لهو - زینت، تفاخر و تکاثر در اموال و اولاد» که در آیه مبارکه ذکر شده، به‌حسب مراحل سنی و ادوار مختلف عمر انسان منظم و مرتب گردیده‌است، پس آدمی حریص و

پراشته‌است:

اولاً به بازی و این دوره طفولیت یا زمانی است که هنوز در چهره‌اش آثاری از محاسن ظاهر نشده‌است.

دوره دوم: وقتی است که بالغ شده و استخوانهای او محکم گردیده که در این حال خود را به سرگرمی‌ها و بازیهای مختلف مشغول می‌دارد.

پس از آن دوره سوم شروع و غریزه حب زینت در او پیدا می‌شود و آن وقتی است که همواره در صدد پوشیدن لباس‌های فاخر و سوارشدن مرکبهای زیبا و سکونت در منازل عالیه بوده و دائماً نظر خویش را به حسن و جمال خود و دیگران معطوف می‌دارد.

دوره چهارم وقتی است که سن کهنوت فرا می‌رسد و زمان مفاخره به‌حسب و نسب شروع می‌گردد.

مرحله پنجم وقتی است که به دوران پیری می‌رسد و در تکثیر مال و فرزند کوشش می‌نماید.

### ادوار پنجگانه

۱. دوران لعب و بازی
۲. دوران سرگرمی
۳. دوران عشق به زیبایی
۴. دوران فخر و مباهات
۵. دوران مسابقه در زیادکردن ثروت و فرزند

### گفتاری از حضرت امام صادق<sup>(ع)</sup>

ششمین پیشوای معصوم<sup>(ع)</sup> در بیانی با اشاره به دوره‌های عمر آدمی و تیرنگ‌ها و بازی‌های هر دوره می‌فرماید: «یا صاحب الشعر الابيض و القلب الأسود، امامك النار و خلقك ملك الموت

فماذا تريد ان تعمل؟

كنت صبيًا وكنت جاهلاً وكنت شاباً و  
كنت فاسقاً وكنت شيخاً وكنت مرثياً فأين  
انت و أين عملك؟»

ای صاحب موی سفید و قلب سیاه،  
پیش رویت آتش است و پشت سرت  
فرشته مرگ، پس اراده داری چه بکنی؟  
تا کودک بودی جهالت و نادانی  
می کردی، در هنگام جوانی اهل  
فسق و فجور بودی، حال که پیر شدی  
ریاکار شدی، پس کی می خواهی بیدار  
شوی، تو کجا هستی و عمل تو کجاست؟

### اهمیت دوره اول

دوره اول زندگی انسان از چند جانب  
نسبت به سایر ادوار از اهمیت بسزایی  
برخوردار است، مهمترین آن بعد تربیتی و  
آثار ماندگار آن است. بدیهی است که  
آدمی برای رسیدن به کمال نیازمند  
تربیت است و تربیت دربرگیرنده تمامی  
شرایط و خصوصیات لازم برای بروز و  
فعلیت یافتن استعدادهای ذاتی انسان  
است. این نوع تربیت درباره هیچ  
موجودی جز انسان کاربرد ندارد، حضرت  
علی (ع) در بیان ضرورت تربیت انسان  
مختار و صاحب عقل و درایت می فرمایند:  
إِنَّ بَدْوِي الْعُقُولِ مِنَ الْحَاجَةِ إِلَى  
الْأَدَبِ كَمَا يَطْمَأُ الزَّرْعُ إِلَى الْمَطْرِ.

«همانا نیازی که صاحبان عقل به  
تربیت و ادب دارند همانند عطش شدیدی  
است که کشت و زرع به آب باران دارد  
یعنی جوانه های بروز و ظهور قوای ارزنده  
انسانی با باران تربیت ممکن و میسر  
است.»

آنچه انسان در اختیار دارد،  
مجموعه ای از استعدادها و زمینه ها است



که باید به وسیله عوامل خارجی بروز نموده  
و رشد نماید. در قرآن کریم سوره نحل  
آمده است: وَاللّٰهُ اَخْرَجَكُمْ مِّنْ بَطُونٍ  
وَالْاَبْصَارِ وَالْاَنْفِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ.

و خداوند شما را از شکم های  
مادراتان خارج کرد درحالی که چیزی  
نمی دانستید و قرارداد برای شما گوش و  
چشم و دل، باشد که شکرگزار باشید.

از این آیه درمی یابیم که انسان از بدو  
تولد صفات انسان را با خود ندارد بلکه  
استعداد و زمینه لازم را داراست. چشم و  
گوش به عنوان مظهر نیروی حس و دل  
مظهر نیروی تفکر در وجود اوست، یعنی  
انسان ابزار در اختیار دارد که اگر این ابزار  
را به کار گیرد، به کمال خود می رسد و اگر  
به کار نگیرد، از حیوان هم پست تر  
می شود.

نکته قابل تذکر اینکه انسان دارای  
فطرتی پاک و سالم می باشد همانگونه که  
از پیامبر اکرم نقل شده است که فرمودند:  
كُلُّ مَوْلُودٍ يُولَدُ عَلٰى الْفِطْرَةِ «هر نوزادی با  
فطرت پاک و سالم ولادت می یابد».  
همچنین تعبیرات قرآن از نفس لوآمه که

در وجود آدمی است و او را از زشتی و  
آلودگی بازمی دارد، شاهد دیگری بر این  
موضوع می باشد. با این بیان، مهمترین  
زمینه و اولین فرصت برای بروز  
استعدادهای عالیّه دوران اولیه عمر آدمی  
است. حضرت علی (ع) می فرمایند: انما  
القلب الحدث كالارض الخالية ما القى فيها  
من شيء قبله<sup>۲</sup> - «قلب نوجوان - چون  
زمینی خالی است، آنچه در آن افشاندند  
می شود، همان را قبول کرده و بروز  
می دهد و هر بذری که در آن پاشیده شود،  
می پذیرد و بارورش می کند». همچنین

امام با اولویت دادن به مسأله تربیت نسل  
جوان خطاب به فرزندش امام حسن (ع)  
می فرمایند: بصرم! من در تعلیم و تربیت تو  
شتاب کردم پیش از آنکه قلب تو سخت  
گردد و عقل و فکرت به امور دیگری  
مشغول گردد تا با تربیت و آموزشهای  
ضروری با تصمیمی جدی و استوار به  
استقبال امور فردی و اجتماعی بشتابی<sup>۳</sup> و  
همانگونه که آموخته های دوران جوانی  
همانند نقشی است که بر سنگ حجاری

شده باشد، در مصداق کلی آن تربیت نیز  
چنین است، زیرا در این دوره فکر و ذهن  
آدمی فارغ البال بوده و استعداد و نشاط  
لازم وجود دارد و آنچه در این دوره فرا  
گرفته می شود، هم خوب درک می شود و  
هم تأثیری درازمدت دارد. پیامبر اکرم (ص)  
در بیان اهمیت آموزش در دوران اولیه  
عمر می فرماید: «فردی که در کودکی علم  
بیاموزد، مثل نقشی است که بر صفحه  
سنگ حک شده باشد و فردی که در  
بزرگسالی به تعلیم بپردازد، مثل کسی  
است که روی آب بنویسد»<sup>۴</sup>.

از خصوصیات دیگر این دوره تأثیر  
الگو و میزان تقلیدپذیری آدمی می باشد.



به قول یکی از روانشناسان معروف: «مردم راجع به تعلیم و تربیت بسیار حرف می‌زنند ولی از سرمشق تقلید که مؤثرترین تعالیم و تربیت ماست، غافل هستند». کردارهای ناپسند کوچک با گذشت زمان و تحوّل سن و سال و تغییر وضع به گناهان بزرگ فردی و اجتماعی تبدیل می‌گردد: افلاطون کودکی را که مشغول بازی زشتی بود، مورد ملامت و توبیخ قرار داد. آن کودک گفت: چرا برای کار کوچکی اینقدر مرا ملامت می‌کنی! افلاطون گفت: برای آنکه وقتی همین کار کوچک ملکه و عادت تو شد، به کار بزرگتر دست خواهی زد.

### زمینه‌های فرهنگی

یکی از مهمترین شرایط شناسایی، شکوفایی و رشد استعدادها فراهم آوردن زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی است. بدین معنی که عوامل رشد شناسایی و تقویت شود و موانع و آفات آن نیز دانسته و دفع و رفع گردد.

این مهم رسالت عمومی افراد جامعه است و از همه والاتر رسالت انبیاء، اولیاء الهی و مصلحان بشریت است.

رسالتی مبتنی بر تلاش فرهنگی به منظور استخراج نهفته‌های عالیة درونی و تراوشهای نو و ذخایر و دفینه‌های وجود آدمی است.

میراث واقعی فرهنگی آثار و بقایای تمدن‌ها و هنرنمایی‌های انسان بر اشیاء نیست و یا حداقل در آن خلاصه نمی‌شود. و بیروا لهم دقائق العقول.<sup>۶</sup>

«تا آدمیان به منابع و سرچشمه وجودی خویش آگاهی یافته و از آن در شکوفایی و گسترش ظرفیت خود و جامعه

بهره گیرند».

«فرهنگ یک کارخانه آدم‌سازی است چنانچه انبیاء هم برای همین معنا آمدند که آدم درست کنند».<sup>۷</sup>

«بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است...»<sup>۸</sup>

بررسی سیره عملی بزرگان دین و دانش در نوع برخورد آنان با دوره جوانی عمر و جوانان و آینده‌نگری نسبت به آن سرفصلی از کتاب «خودشناسی» و «خودیابی» جوانان و متولیان امور است.

ارائه الگوهای عملی، قابل تحقیق و دسترسی و درعین حال آرمان‌گرایانه، راهنمایان طریق و سالکان کوی رفیق، شناخت و حفظ کرامت و شخصیت جوانان و راهبری و راهنمایی آنان به سوی سعادت و هماهنگی بین فطرت و طبیعت و به تعبیری عقل و عشق از جمله آن است.

در غزوه احد پیامبر (ص) در خصوص حضرت علی (ع) فرمودند:

«لا فتی الا علی لا سيف الا ذوالفقار».

### اهمیت دوران جوانی

نسل روزگار ما - خصوصاً قشر جوان - بیشترین دردهایش ریشه در نابسامانی‌های فکری و روانی او دارد، حتی برخی از دردهای جسمانی او هم برخاسته از مشکلات روحی و روانی اوست. بحث و بررسی و ارائه طرح‌هایی برای درمان این دردها، برعهده طیبیان حاذقی است که سوزمندانه به بهداشت روانی جامعه می‌اندیشند.

دوره جوانی نسبت به سایر ادوار حیات از ویژگی‌های خاص و استثنایی برخوردار

است، بدان دلیل که روح و جسم جوان دارای خصوصیات و حالاتی است که نه با دوره نوجوانی قابل مقایسه است و نه با دوره کهنسالی، از این رو آنان که از جوانی غفلت نموده‌اند، تا پایان عمر در زندگی‌شان احساس ضعف و کاستی نموده و گمشده‌های بسیاری دارند که می‌جویند و نمی‌یابند و هرچه بیشتر می‌جویند، کمتر می‌یابند.

شاید برخی بر این عقیده باشند که تنها دیگران - خانواده، مسئولین و جامعه - باید نسبت به نسل جوان و اوصاف روحی و جسمی‌اش آشنا شوند، سپس در برنامه‌ریزی‌ها و برخورد با آنان یا برآوردن نیازمندی‌هایشان و بهره‌وری افزون‌تر از سرمایه جوانی توفیق یابند که این عقیده به جای خود منطقی و ضروری است و با این نظریه که در وهله اول نسل جوان بایستی پیش از دیگران و بیش از دیگران به خودشناسی روی آورد نه تنها منافاتی ندارد، بلکه می‌توان گفت که از مهمترین منابع و ابزار شناخت یک نسل، خود آن نسل است اگرچه به تعبیر حافظ شیرین سخن:

خوشر آن باشد که سر دلبران

گفته آید در حدیث دیگران  
اما از آن جا که مردمان به سان معادن  
طلا و نقره‌اند که گفته‌اند: الناس معادن  
کمعادن الذهب و الفضة.

بی‌تردید برای کشف هر معدنی شناخت، زیربنای کشف، استخراج، نمونه‌سازی و تولید انبوه می‌باشد.

با وجود تفاوت در طبایع و مراتب آدمیان و استعدادهای مختلف آنان می‌توان گفت این جا سر دلبران را هم از دلبران باید شتود.



آگاه و هدایت‌گریزه و کنترل آن تأکید نموده‌اند و متذکر شده‌اند که باید روح نشاط و امیدواری را از طریق شعارهای صحیح و عمل به آن در جوانان همواره حفظ نمود.

با نظری به خصوصیات دوران پیری اهمیت بهره‌گیری از دوره جوانی بهتر روشن می‌شود:

ضعف بدنی و احساسی (کندی شنوایی و بینایی)، افزایش خستگی، کندی تدریجی در هوشیاری، سرعت عمل و کندی در یادگیری موضوعات تازه و کاهش نیروی حافظه، کاهش دقت، تندخویی و عصبانیت‌های ناخواسته، بدبینی و زودرنجی و علاقه شدید به برخورداری از قدرت و حیثیت اجتماعی از جمله خصوصیات دوره سالمندی است. شاعر عرب می‌گوید: «فایلت الشباب يعود یوماً فآخره بسا فعل المشیب» ای کاش جوانی برمی‌گشت تا او را از ماجراهایی که پیری بر سرم آورده، باخبر سازم.

#### پی‌نوشت‌ها:

۱. - سورة حدید / ۲۰.
۲. - تفسیر المیزان، ج ۱۹ عربی، ص ۱۸۸.
۳. - نهج البلاغه، نامه ۳۱.
۴. - نهج البلاغه، خطبه ۷۶.
۵. - کنز العمال، ج ۲۹۳۶.
۶. - نهج البلاغه، صبحی صالح، ص ۱۴۳.
۷. - صحیفه نور، ج ۲۳۶/۶.
۸. - همان، ج ۱۶۰/۱۵.

– از نقایص آن عدم تجربه و علم کافی است.

– این دوره، دوران کوشش و نشاط، اراده‌های قوی، آمال و آرزوهای بلندپروازانه همراه با احساسات و غرور خاص جوانی است.

– در این دوره ثبات و استحکام روحی و جسمی کمتر دیده می‌شود، بلکه جوانان دائم در حال تغییر و تحوّل و حرکت‌اند.

از مهمترین احتیاجات اساسی جوانان احتیاج به استقلال عاطفی، اقتصادی، احتیاج به آموختن علم و رشد اخلاقی و درک اهمیت خانواده و ازدواج می‌باشد.

#### سرمايه‌های اصیل کشور

یکی از ذخایر پرارزش هر کشوری طبقه جوان است، پایه و اساس هر کشوری بر روی ابتکار و خلاقیت طبقه جوان نهاده شده است. رشد جسمی و روحی جوان هر قدر کامل‌تر باشد، به همان نسبت مقدمات پیشرفت کشور فراهم شده است، انحطاط و سقوط طبقه جوان از هر بحرانی دشوارتر است زیرا سایر زیانها را به‌سادگی می‌توان تدارک کرد، اما شکست روحی طبقه جوان جبران‌پذیر نیست، باید رشد و تکامل جسمی با رشد روحی توأم باشد، بدین جهت است که همه مصلحان و مربیان بزرگ تاریخ به جوانان عنایتی ویژه داشته‌اند و همواره به تربیت جسمی و روحی جوانان و تغذیه فکری و نگهداشت اخلاقی آنان توجه کرده‌اند و بر متعهدسازی آرمانی جوانان، تهیه کتب و نشریات سالم و جذاب، تأمین سرگرمی‌ها و تنوع‌های لازم، تأمین مشاوران دلسوز و

به همین دلیل مطالعه در افکار و اندیشه‌ها، رفتار و حالات نسل جوان یکی از مهمترین منابع شناخت این نسل است و مددگساری در خویش‌شناسی جوانان از رسالت‌های اصلی خانواده، مدرسه، جامعه و مسؤولین است تا جوان در راه خودشناسی گام برداشته و دانایی دیگران را بر توانایی خویش بیافزاید.

دقت در گفتار و اندیشه در سیره عملی بزرگان دین و دانش، نشان می‌دهد که آن فرزندان درصدد انتقال تجربیات خود به نسل جوان بوده و ضرورت شناخت استعدادها و خطر غفلت از این دوره را گوشزد نموده‌اند و فرجام نیک و بد آن را ترسیم نموده‌اند و گفته‌اند:

تارسد دستت به خود شو کارگر

چون فنی از کار خواهی زد به سر  
نامه حضرت علی علیه‌السلام به امام حسن مجتبی (ع) نمونه روشنی از این‌گونه رهنمودهاست و در عصر حاضر نامه حضرت امام خمینی (ره) به مرحوم حاج سید احمد خمینی (ره) از این تذکرهاست.

#### برخی از خصوصیات دوران جوانی

- گاهی احساس مبنای اندیشه و عمل است تا عقل.
- انعطاف‌پذیری در این دوره بیشتر است.
- به آینده کمتر توجه می‌شود و غالباً زمان حال مورد توجه است.
- دوره جوانی دوره قهرمان‌پروری، قهرمان‌سازی و قهرمان‌پرستی است.
- در دوره جوانی همه چیز جوان است.
- نشاط مهمترین مشخصه این دوره است.